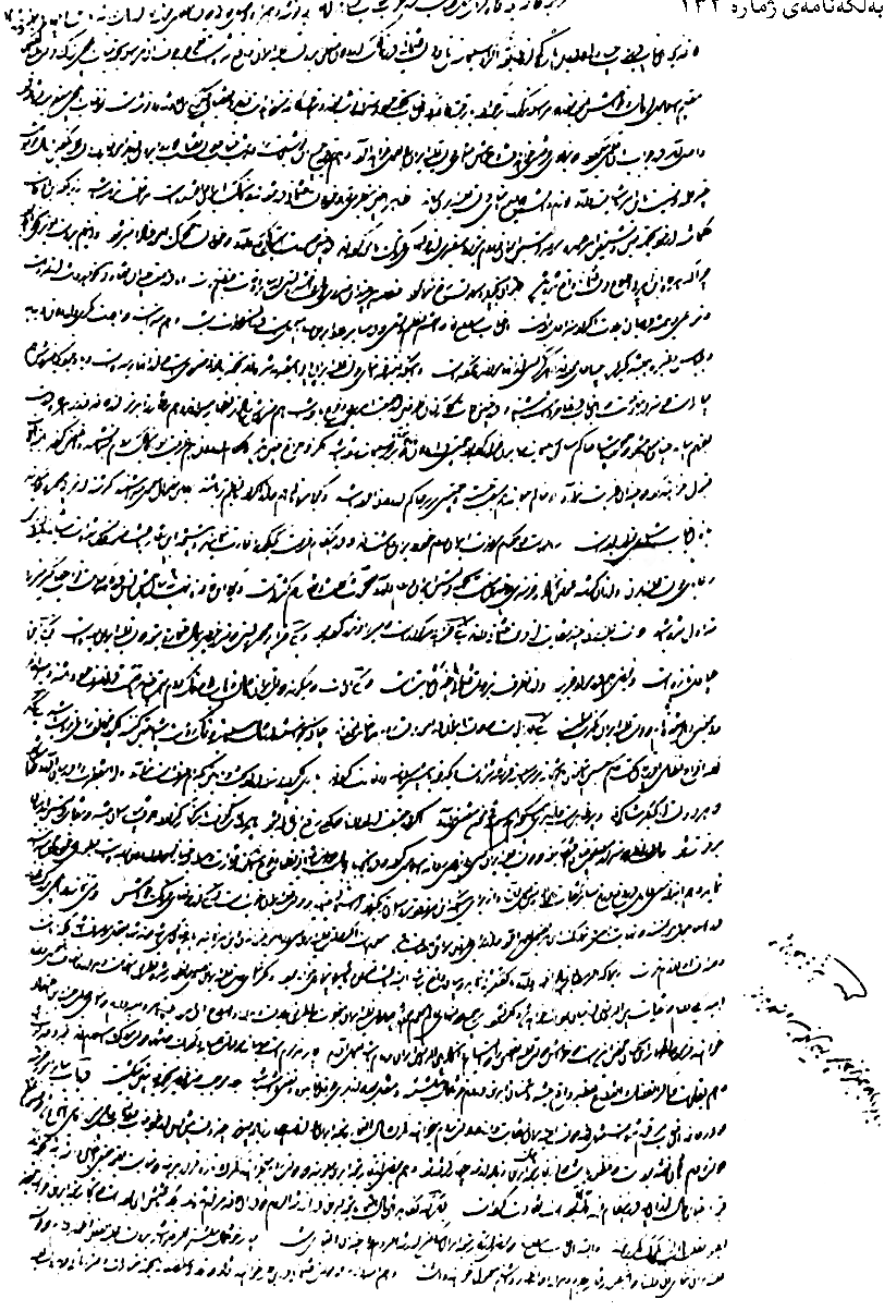

سند شماره ۹۳

نامهٔ بکرخان حاکم کوی به والی موصل

موضوع : روابط ایران و عثمانی

تاریخ : هفدهم جمادی‌الآخر ۱۲۵۸

غلامان پناها، بندگان ملجأ و امیدگاها، ولی نعماء

اخبارات عجم آنچه به‌تازگی از طرف سنندج و ساوجبلاغ[1] و تبریز دستگیر شده باشد، مقرّر فرموده بودند معروض گردد. حسب الفرمان واجب الاذعان عرض نمایم، به‌قراری است:

اوّلاً از طرف سنندج آدم آمده، بعد از آمدن تیمور خان طوپچی باشی تفحّص نموده که جنگ بابان با والی سنندج در سنور عجم آیا [.....] واقع شده به‌طرف طهران عودت کرده است. از رفتن او تا حال چیزی به‌ظهور نرسیده، جمعیّتی در سنندج نیست. محمودپاشا خودش در سنندج و توابعش در خانه محمدبیگ قادربیگ‌جاف در نواحی باشماغ من‌محال سنندج است می باشند و والدهٔ والی سنندج[3] که دخت فتحعلی شاه است، بعد از شکسته شدن والی به‌عزم شکوه از دست بابان و رجال سنندج به قاپوی شاه رفته، نیامده است و از شکوه‌اش ثمری روی نداده افندم.

و از طرف ساوجبلاغ: بعد از دچار شدن سواران هموند و کشته شدن پیرعبدالله‌خان والی ساوجبلاغ و فرزند قوچ‌بیگ عموزادهٔ عبدالله‌خان، عبدالله‌خان ابواب الجمع نموده، عسکر فراهم از محال ساوجبلاغ و سردشت و مراغه و ارومیّه جمع کرده، تا بانه قرب سنور سلیمانیّه آمده، از آنجا جز حاکم بابان عبدالله‌بیگ بدو می رسد که طایفهٔ هموند باهمهٔ عالم دشمنی دارند و قرار شده به‌طرف زهاب رفته‌اند. اگر خواهش دارند فتنه بر پا نمایند و داخل ممالک پادشاهی شوند، ناچار باید دعوا نمایم. رجال عبدالله‌خان بایکدیگر مشورت کرده که ما حقّ بر سَر سلیمانیّه نداریم و بدون رخصت شاه با ممالک محروسهٔ سلطان دعوا نمودن غایت جهل و معلوم نیست اگر دعوا نماییم، غالب خواهیم شد. عزم سلیمانیّه را فسخ نمودند. جمعیّت را پراکنده، هرکس به‌جای خود رفته، دوّم ماه حال، عبدالله‌خان داخل ساوجبلاغ شده و کیفیت را عرض شاه نموده، افندم.

و اخبارات طرف تبریز: کس [از] اهالی کوهی به‌عزم تجارت به‌طرف تبریز رفته بود. در حین تحریر عریضهٔ بندگی فریضه آمد. اخبارات ساوجبلاغ که معروض گشته، تقریر اوست و حالات تبریز به‌قراری است: تاجران بغداد و نواحی که در آنجا می باشند او را توصیه کرده‌اند، اگر من‌بعد احدی بغدادی یا کرکوکی از جای دیگر عزم نمودند به‌طرف تبریز بروند، ایشان را منع کند. زیرا اشتهار چنان‌است که از دولت علیّه و سلطنت سنیّه و ارزروم تاجران عجم را دست بر سَر کرده‌اند و